

## نگاهی به نسخه خطی شرح دیوان صایب تبریزی

دکتر نجم الرشید ☆

### Abstract:

Commentaries on Classical Persian works are of great important in sub-continent literary traditions. Behlol Kol Barki Jalandhary is a famous Persian writer, scholar and commentator. He has written commentaries on the poetry of Hafiz Shirazi, Saib Tabrizi, Nasir Ali Sarhindi and Ghani Kashmiri. In this article, a manuscript, kept in the Central Librery of Punjab University, Lahore, has been introduced.

**Key Words:** Persian Literature, Sub-continent, Behlol Kol Barki, Commetary on Saib's poetry .

بہلول کول برکی جالندھری (۱)، عارف، نویسنده، شاعر و شارح فارسی زبان بود. وی در جالندھر زاده شد و در همانجا درس خواند. او بہ عرفا و دانشمندانی چون شاه بہیکہ چشتی، شاه بلاق قادری لاھوری، سید علیم اللہ جالندھری ارادت و وابستگی داشت. در ۱۱۷۰ق / ۱۷۵۱م در گذشت و مزارش در جالندھر است.

☆ دانشیار، گروه فارسی، دانشگاه پنجاب، لاھور.

### آثار بھلول:

- ۱- فواید الاسرار فی رفع الاستار عن عیون الاغیار
- ۲- شرح دیوان حافظ
- ۳- شرح دیوان غنی
- ۴- شرح دیوان ناصر علی سرھندی
- ۵- شرح دیوان صائب تبریزی
- ۶- شرح مثنوی معنوی
- ۷- شرح مخزن الاسرار
- ۸- سیف المسلول علی من اعرض عن سماع الرسول
- ۹- عقاید علیہ در مذهب صوفیہ
- ۱۰- فواید فی علم العقاید
- ۱۱- دیوان بھلول
- ۱۲- احوال نامہ

### مشخصات نسخه:

نسخه خطی از شرح دیوان صائب تبریزی در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاہور در مجموعه شیرانی، به شماره، 5192/2181/3 نگهداری می شود. (۲)

این نسخه در یک مجلد که دارای سه شرح از بھلول کول برکی (شرح دیوان صائب، شرح دیوان ناصر علی سرھندی و شرح دیوان غنی کشمیری) است، وجود دارد. این مجلد مشتمل بر ۱۷۸ برگ است. شرح دیوان صائب در برگ های ۴۹-۲، شرح دیوان ناصر علی سرھندی در برگ های ۱۴۹-۵۰، و شرح دیوان غنی کشمیری در برگ های ۱۷۸-۱۵۱ آمده است.

### آغاز مقدمه:

” الحمد لله الذی نور بنور مرفته قلوب العارفين و... عشقه صدور العاشقين  
والسلام علی محمد سید الامین والعالمین وعلی اله و اصحابه  
اجمعین.....“ (۳)

آغاز شرح:

”کار را پی کار فرما پیش بردن مشکل است

کار فرمای بمن از غیرت....

ای کار فرمای و مرشد من همکار گردان....“ (۴)

پایان شرح:

”در بحر تنگ ظرف جهان چند، چون حباب

در دل گره کنم نفس آرمیده را (۵)

کلمه تنگ را به فتح و ضم هر دو توان خواند. همانا قوله حباب مشبه به تنگ

ظرف است، نه مصراع آینده چرا که حباب نفس خود را در گره نمی دارد.

مخفی نماند اگر به هر حال مشبه به این مصراع گردانند. در این صورت،

کلمه حباب محض برای تلازم بحر و تنگ ظرف باشد...“ (۶)

ترقیمه:

از ترقیمه این نسخه خطی برمی آید که این نسخه به خط شارح، بهلول کول

برکی، نوشته شده است.

”تمام شد به خط شارح عفی عنه“ (۷).

مطالب مقدمه:

- این شرح دارای مقدمه دو صفحه ای است.

- ضمن مقدمه يك متن مصنوع ارائه داده و بعد از حمد و سپاس پروردگار به

مدح پیامبر(ص) پرداخته است.

- شارح خود را در این مقدمه چنین معرفی می کند:

”اما بعد می گوید بهلول کول بن مرزا خان البرکی ثم الجالندهری...“ (۸)

- ضمن مقدمه، بهلول کول به شاه بهیکه، مرشد خود نیز ابراز عقیدت می کند. (۹)

- از مقدمه این کتاب چنین برمی آید که شارح پس از شرح دیوان غنی

کشمیری در سال ۱۱۲۴ ق به شرح دیوان صایب تبریزی پرداخته است.

بهلول کول در شرح خود درباره سال نگارش شرح مورد بحث و انگیزه

نگارش آن چنین می نویسد:

”در این ولا در سنه الف و مایه و عشرون و اربع (= ۱۱۲۴) که هنگام فراغ

از شرح دیوان غنی کشمیری است، بعضی اعزه که مُراعات خاطر ایشان از

مہمات است، استدعا چنان نمودند و مکلف برآن شدند کہ ہم بر اشعار متین استاذ وقت مرزا صایب را چیزی بہ طریقہ توضیح و تشریح بر نگارند۔ بنابر استر ضای جماعہ مذکور ..... بہ حل معانی بندی از ایات بہ حرف الف دیوان آن مرآمد شعرای عصر کہ بہ دیوان صایب موسوم است پرداخت و در یک چند روز بہ منزل مقصود رسید۔“ (۱۰)

نمونہ های شرح:

صورخیال:

۱- تشبیہ:

- ” جلوہ روی عرفناک تو ای ماہ تمام

سیر چشم از ماہ و اختر می کند آئنے را (۱۱)

تشبیہ ماہ بہ روی است و تشبیہ اختر بہ عرق۔“ (۱۲)

- ” [با دل نازک ملایم ساز خلق خویش را]

بیشتر از موم می باشد حصار آئنے را (۱۳)

بدانکہ تشبیہ آئنے بہ دل نازک است و تشبیہ موم بہ خلق ملایم۔“ (۱۴)

- ” در جہان پاکبازی فقر ہم دام بلاست

مہر در ششدر در ز نقش بوریا باشد مرا“ (۱۵)

شش در مکان مشکل نرد است۔ چون مہرہ در آن می رسد بازی بند [بستہ]

می گردد و همانا نقش بوریا را تشبیہ بہ فقر است و مہرہ در شش در را بہ دام بلا۔

مقصود آنکہ یعنی ہر گاہ کہ در عالم پاکبازی فقر ہم دام بلاست، پس نقش بوریا مرا

بہ جای مہرہ در شش در می باشد؛ حاصل آنکہ نقش بوریا نیز مرا بد می نماید۔“ (۱۶)

۲- استعارہ:

- ” نمی بینی از استغنا بزیر پا نمی دانی

کہ آخر می شود خار سر دیوار مژگانہا (۱۷)

”بودن مژگان خار سر دیوار استعارہ از موت [مرگ] است۔ چہ وقتیکہ آدمی

می میرد مژگان او مثل خار سر دیوار حرکت نمی کنند۔“ (۱۸)

- ”چون دل عاشق نگردد صایب از چین غیور

صحبت او ناز پرور می کند آئنے را (۱۹)

”چون بہ معنی چگونہ و چین استعارہ از غصہ است“ (۲۰)۔

”اگر نه مد بسم الله بودی تاج عنوانها  
نگشتی تا قیامت نو خط شیرازه دیوانها (۲۱)  
”نو خط استعاره از زیبایی است...“ (۲۲).

### ۳- کنایه:

”هست چون جان، چار دیوار عناصر گو مباش  
می خوری ای لیلی عالم غم محمل چرا (۲۳)  
لیلی عالم کنایه از روح است، متأمل. انسب این است که اضافت بیانیه باشد  
و محمل کنایه از جسم.“ (۲۵)  
”مه نو می نماید گوشه ابرو تو هم ساقی  
چو گردون برسر چنگ آر آن جام هلالی را (۲۶)  
جام هلال کنایه از پیاله شراب است.“ (۲۷)  
”صبر کن تلخ کامیها که آخر روزگار  
چشم سار نوش سازد بوسه گاه خویش را (۲۸)  
کنایه از دهن است.“ (۲۹)

### ۴- تلمیح:

”از دو جانب بود مشکل جمع کردن خویش را  
فکر آغازم برآورد از غم انجامها (۳۰)  
اشاره بر این مضمون است که حضرت عبدالله انصاری فرموده که مردمان از دم  
آخر می ترسند که خاتمه به خیر باشد یا نه و این فقیر از روز اول می ترسد که به نام ما چه  
نوشته اند.“ (۳۱)

### نکات دستوری:

” زهی نقاب جمالت برهنه روئیها  
خموشی تو زبان بند کام جوئیها (۳۲)  
نقاب مضاف و جمله برهنه روئیها مضاف الیه. ای جمال تو نقاب برهنه  
روئیهای محبوبان ذکر شده و خموشی تو زبان بند کننده کام جوئیها گشته یعنی به  
سبب خموشی توهیچکس اظهار مطلب خود نمی کند و نه دلبری پیش جمال تو  
برهنه رو می گردد.“ (۳۳)

- "چون ز دنیا نعمت الوان هوس باشد مرا؟"

خون دل چندان نمی پایم که بس باشد مرا (۳۴)

در این مصراع استفهام انکاری است و کلمه چون به معنی چگونه و هم

انطباق است که مصراع اول شرطیه باشد و مصراع ثانی جزائیه". (۳۵)

### علل و معلول مصراع:

- ای دفتر حسن ترا فهرست خط خالها

تفصیلهای پنهان شده در پرده اجمالها (۲۶)

این مصراع تفسیر و بیان مصراع اول است یا علت آن همانا قوله تفصیلهای را

تشبیه است به دفتر حسن و کلمه اجمال را تشبیه به فهرست. مقصود آنکه خوبی

حسن تو از خال و خط آشکارا می شود. (۳۷)

- "نیست پروای سلیمان آن پری رخساره را" (۳۸)

علت مصراع اول است. (۳۹)

### اصلاح و ایراد:

- "خود نمایی پرده بر می دارد از بالای اصل

نیست عیبی در نشستن دامن کوتاه را (۴۰)

همانا اگر به جای کلمه اصل لفظ نقص می آورد، اولی می شد. چه کوتاهی

دامن، نقص دامن است نه اصل... که اصل از جمله نقص و عیب است. (۴۱)

- "محو رخسار تو از هر دو جهان مستغنی است

مژه بیکار بود دیده قربانی را (۴۲)

همانا مژه را که تشبیه به دو جهان داده مناسب نیست. (۴۳)



## حواشی:

- ۱- برای اطلاعات بیشتر از احوال و آثار بهلول کول برکی جالندهری، نگاه کنید به: برزگر، "بهلول جالندهری"، ۵۲۷-۵۲۶؛ بشیر حسین، ۳/۴۴۳؛ چاند بی بی، صص ۱۷۳-۱۶۳؛ رحمان علی، ص ۳۴؛ غلام سرور، ۱/۴۹۸؛ ظهورالدین، ۳/۳۹۶-۳۸۷؛ قاسمی، "بهلول کول برکی جالندهری"، ص ۹۷۹؛ همو، ۱۸۵۰؛ منزوی، ۲/۱۱۵۵، ۳/۱۵۷۶، ۱۶۰۳، ۱۶۴۹، ۱۷۰۷؛ ۷/۹۱۸؛ نبی هادی، ص ۱۱۵.
- ۲- بشیر حسین، ص ۳/۴۴۳.
- ۳- برکی، نسخه خطی شرح دیوان صایب تبریزی، ا.پ.
- ۴- همان، ۲ پ. ۵- صایب تبریزی، ص ۳۵۹.
- ۶- برکی، ۴۹ ر. ۷- همان.
- ۸- همان، ا.پ. ۹- همان، ۲ ر.
- ۱۰- همان، ا.پ و ۲ ر. ۱۱- صایب تبریزی، ص ۱۲۱.
- ۱۲- برکی، ۴۱ پ. ۱۳- صایب تبریزی، ۱۲۳.
- ۱۴- برکی، ۳۰ ر. ۱۵- صایب تبریزی، ص ۷۰.
- ۱۶- برکی، ۱۴ پ. ۱۷- صایب تبریزی، ص ۳.
- ۱۸- برکی، ۳ ر. ۱۹- صایب تبریزی، ص ۱۲۱.
- ۲۰- برکی، ۴۲ پ. ۲۱- صایب تبریزی، ص ۳.
- ۲۲- برکی، ۲ پ. ۲۳- صایب تبریزی، ص ۲۴.
- ۲۵- برکی، ۶ ر. ۲۶- صایب تبریزی، ص ۲۱۹.
- ۲۷- برکی، ۶ ر.
- ۲۸- صایب تبریزی، ۴۲؛ در دیوان تصحیح شده به جای کلمه "خویش"، واژه "نیشن" آمده است.
- ۲۹- برکی، ۳۲ پ. ۳۰- صایب تبریزی، ص ۱۵۶.
- ۳۱- برکی، ۶ ر. ۳۲- صایب تبریزی، ص ۳۲۸.
- ۳۳- برکی، ۴ ر. ۳۴- صایب تبریزی، ص ۷۲.

- ۳۵- برکی، ۳۰ ر. ۳۶- صایب تبریزی، ص ۴۱۰.
- ۳۷- برکی، ۴ پ و ۵ ر. ۳۸- صایب تبریزی، ص ۱۰۹.
- ۳۹- برکی، ۳۶ پ.
- ۴۰- صایب تبریزی، ص ۱۰۰؛ (در دیوان تصحیح شدہ بہ جای کلمہ "دامن" واژه "جامہ" آمدہ است).
- ۴۱- برکی، ۷ ر. ۴۲- صایب تبریزی، ص ۲۷۳.
- ۴۳- برکی، ۱۶ ر.

### کتابشناسی:

- ☆ برزگر، حسین، "بہلول جالندھری"، دانشنامہ ادب فارسی، ج ۴، بہ سرپرستی حسن انوشہ، تہران، ۱۳۸۰ ش.
- ☆ برکی، بہلول کول جالندھری، شرح دیوان صایب تبریزی، نسخہ خطی، 5192/2181/3 نگہداری می شود.
- ☆ بشیر حسین، محمد، فہرست مخطوطات شیرانی، ج ۳، لاہور، ۱۹۷۳ م.
- ☆ چاند بی بی، سیدہ، حافظ شناسی در شبہ قارہ، اسلام آباد، ۲۰۰۷ م.
- ☆ رحمان علی صاحب، تذکرہ علمای ہند، لکھنؤ، ۱۹۱۴ م.
- ☆ صایب تبریزی، دیوان، بہ تصحیح محمد فہرمان، ج ۱، تہران، ۱۳۷۰ ش.
- ☆ ظہور الدین احمد، پاکستان میں فارسی ادب، ج ۳، لاہور، ۱۹۷۷ م.
- ☆ غلام سرور، خزینۃ الاصفیاء، نولکشور، بی تا.
- ☆ قاسمی، شریف حسین، "بہلول کول برکی جالندھری"، دانشنامہ زبان و ادب فارسی در شبہ قارہ، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تہران، ۱۳۸۴ ش.
- ☆ ہمو، فہرست نسخہ های خطی و چاپی دیوان حافظ در ہند، دہلی نو، ۱۹۸۸ م.
- ☆ منزوی، احمد، فہرست مشترک نسخہ های خطی فارسی پاکستان، ج ۲، ۳، ۹، اسلام آباد، ۱۹۸۴؛ ۱۹۸۴؛ ۱۹۸۸.

☆ Nabi Hadi, Dictionary of Indo - Persian Literature, Dehli, 1995.

